



در حاشیه جنوبی خلیج فارس چه می گذرد؟

رقبای سرسخت ایران

وابستگی بودجه ایران به نفت کمتر از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس است. ولی این شورا گام‌های اقتصادی مؤثری برای کاهش وابستگی به نفت و تسریع رشد اقتصادی برداشته است.

یکی از مهمترین چالش‌های اقتصاد ایران که همواره توسط کارشناسان و صاحب‌نظران مطرح گردیده، اما به طور جدی مورد توجه سیاست‌گذاران اقتصادی قرار نگرفته و مغفول واقع شده است، وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی و آسیب‌های جدی ناشی از نوسانات قیمت آن بر تمامی نظام اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور می‌باشد.

در واقع، تخصیص بهینه درآمدهای نفتی یکی از عوامل مهم در برقراری امنیت اقتصادی در کشورهای صادرکننده نفت از جمله ایران است. در این رابطه، طی سال‌های اخیر، در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس (GCC) قوانین موجود بازنگری شده و در برخی موارد، اصلاحات قانونی صورت گرفته است. همچنین در صورت مشاهده خلاء قانونی، قوانین جدید وضع و سیاست‌ها و راهکارهای جدی اتخاذ گردیده‌اند.

با توجه به خصوصیات مشترک ایران با اعضای کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، خصوصاً دارا بودن ذخایر عظیم نفت و گاز و وابستگی آنان به درآمدهای نفتی، بررسی عملکرد سال‌های اخیر و سیاست‌های اتخاذ شده توسط این کشورها برای رهایی از وابستگی به درآمدهای نفتی و برقراری امنیت اقتصادی، از اهمیت بسزایی برخوردار می‌باشد.

به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس در اقتصادهای نفتی خاورمیانه، رشد محصول ناخالص داخلی بخش غیرنفتی به عنوان

مهمترین شاخص در حرکت به سمت کاهش وابستگی به نفت، مورد توجه قرار می‌گیرد. ایران از لحاظ رشد ارزش افزوده بخش غیرنفتی طی چند سال گذشته، در میان بیش از ۲۰ کشور منطقه، در رتبه میانه قرار داشته است. البته روند نزولی ایران در این شاخص، قابل ملاحظه است. در حالی که در فاصله سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۲ ایران با متوسط رشد ۴/۷ درصدی بخش غیرنفتی، در جایگاه پنجمین کشور در منطقه بوده و در سال ۲۰۰۶ با وجود افزایش رشد این بخش به ۵/۸ درصد، به علت سرعت بالاتر رشد کشورهای رقیب، ایران در رتبه یازدهم منطقه جای گرفته است. متوسط رشد بخش غیرنفتی کشورهای منطقه خاورمیانه در سال گذشته ۷/۱ درصد بود که نسبت به رشد ۵/۸ درصدی ایران، قابل ملاحظه است.

بررسی اجمالی درآمدهای صادراتی غیرنفتی نشان می‌دهد، میزان این درآمدها در کشورهای مذکور بسیار پایین است. کشور ما نیز از این مقوله مستثنی نیست، به طوری که در سال ۲۰۰۶ تنها ۹/۶ درصد درآمدهای صادراتی از بخش غیرنفتی تأمین شده است.

طی سال‌های اخیر، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس شامل بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات عربی متحد با تحولات چشمگیر و بی‌سابقه‌ای از لحاظ اقتصادی و اجتماعی مواجه بوده‌اند. درآمد حاصل از صدور نفت در این کشورها عموماً برای بهبود و مدرنیزه کردن زیرساخت‌ها، ایجاد اشتغال و بهبود شاخص‌های توسعه انسانی مورد استفاده قرار گرفته است.

در این کشورها، شاخص امید به زندگی در رده سنی ۱۰ تا ۷۴ سال در طول سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰ افزایش یافته و نرخ باسوادی به میزان ۸۰ تا ۸۰ درصد طی همان دوره، ارتقا داشته است. میزان محصول ناخالص داخلی اسمی این شش کشور در سال ۲۰۰۲ به ۳۴۰ میلیارد دلار (بیش از نصف محصول ناخالص داخلی کل کشورهای خاورمیانه) رسیده بود.

در طول سه دهه گذشته، نرخ تورم این کشورها بسیار پایین و رشد واقعی اقتصاد به طور متوسط در هر سال حدود ۴ درصد بوده است. این در حالی است که طی این دوره، محصول ناخالص بدون نفت در کشورهای عضو GCC به طور پیوسته و مستمر رشد یافته که نشان‌دهنده فعالیت و تلاش این کشورها در متنوع‌سازی اقتصادشان و سیاست‌گذاری‌های مناسب بوده است.

این پیشرفت‌ها به واسطه ایجاد یک سیستم تجاری و مبادلات باز و سرمایه‌گذاری آزاد تحقق پیدا کرده است. آزادسازی در رابطه با جریان نقل و انتقال نیروی کار خارجی نیز صادق است. در نتیجه، کشورهای عضو GCC به یک مرکز مهم رشد اقتصادی تبدیل شده‌اند.

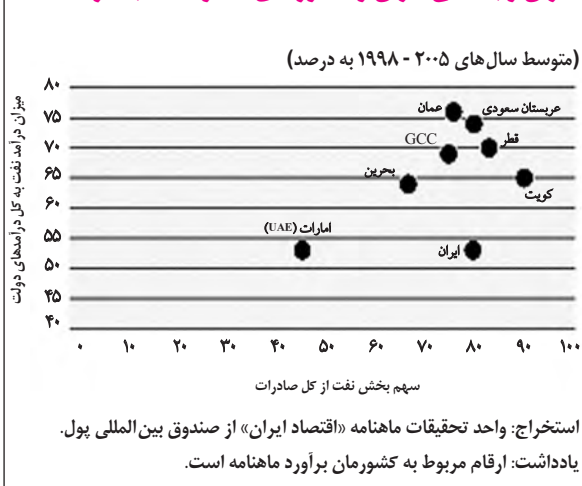
سیاست‌گذاری‌ها و ویژگی‌ها

در کشورهای GCC، از سیاست‌های پولی به عنوان ابزاری برای ثابت نگه داشتن نرخ ارز و کنترل نرخ تورم استفاده می‌شود و سیاست‌های مالی عمدتاً به عنوان ابزاری جهت تحقق سایر اهداف اقتصادی از جمله افزایش نرخ رشد اقتصادی، کاهش نرخ بیکاری و توزیع عادلانه درآمد و ثروت مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما نکته قابل ذکر در رابطه با این سیاست‌ها این است که در این کشورها، به دلیل وابستگی شدید اقتصاد به عواید پرنوسان حاصل از صادرات نفت، اعمال سیاست‌های مالی اجباری بوده است.

تکمیل پروژه‌های عمده زیرساختی در این کشورها، نقش مخارج دولتی را در رشد بخش غیرنفتی کاهش داده است. توسعه بخش عمومی (دولتی) در این کشورها به این معنی است که با وجود رشد سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی، سهم این بخش در تولید نسبتاً پایین بوده است.

از سال‌های پیش، کشورهای GCC سیاست اصلاحات را در پیش گرفتند تا از این طریق بتوانند رشد بخش‌های غیرنفتی را شتاب

میزان وابستگی ایران و کشورهای عضو GCC به درآمد نفت



بیشتری بخشند و همچنین فرصت های اشتغال را با رویکرد حمایتی به منظور افزایش روزافزون نیروی کار در داخل کشور ایجاد نمایند و در عین حال، آسیب پذیری ناشی از نوسانات قیمتی نفت را کاهش دهند.

کشورهای GCC، ویژگی های اقتصادی متعددی دارند. سهم نفت در GDP این کشورها حدود یک سوم و در صادرات و درآمدهای سالانه دولت به میزان سه چهارم می باشد. نمودار صفحه قبل، میزان وابستگی نفت را در این کشورها نشان می دهد.

این کشورها در مجموع حدود ۴۵ درصد ذخایر تثبیت شده نفت جهان و ۲۵ درصد صادرات نفت خام را دارا می باشند. گفتنی است، عربستان سعودی، بزرگترین کشور صادرکننده نفت جهان است. اعضای GCC حداقل ۱۷ درصد ذخایر گاز طبیعی ثبت شده جهان را نیز دارا هستند و قطر، چهارمین کشور بزرگ صادرکننده گاز مایع طبیعی در جهان است.

در کشورهای عضو GCC ایزار نرخ ارز به عنوان اهرم برقراری تعادل نیز بکار گرفته می شود، به طوری که در اغلب این کشورها، نرخ ارز براساس دلار آمریکا تعیین و در همان سطح، تثبیت و یا به اصطلاح "میخکوب" می شود.

یکی دیگر از اشتراکات این کشورها، وابستگی بالای آنها به نیروی کار خارجی است که سه چهارم کل نیروی کار آنها را تشکیل می دهد. این وضعیت در پی اتخاذ سیاست درهای باز برای جذب نیروی کار متخصص و نیمه متخصص خارجی از آغاز دهه ۱۹۷۰ به وجود آمده است که نقش بسزایی در متنوع سازی تولیدات و صادرات این کشورها و توسعه بخش خدمات داشته است.

دسترسی به نیروی کار ماهر در سطح قیمت های بین المللی، نقش تعیین کننده ای در پایین نگه داشتن هزینه تمام شده کالاها و خدمات تولیدی این کشورها داشته است. عمده نیروی کار داخلی با حقوق بالاتر نسبت به نیروی کار خارجی، جذب بخش های دولتی می شوند. از آنجا که بخش عمده درآمدهای نفتی به دولت تعلق دارد، دولت های GCC سیستم جامع تأمین رفاه اجتماعی را برای مردم خود تدوین کرده و به اجرا درآورده اند. خدمات دولتی در بسیاری از کشورهای GCC رایگان یا به دلیل پرداخت یارانه با قیمت های بسیار نازل ارائه می شود که از موارد بارز آن می توان به آب و برق اشاره نمود.

همچنین در این کشورها نرخ مالیات بر تولیدات داخلی غیرنفتی

پایین است و بخش عمده درآمدهای مالیاتی، متعلق به مالیات شرکت های خارجی است. تنها استثنا در این میان، کشور عمان است که در آن از شرکت های داخلی به اندازه شرکت های خارجی فعال در این کشور، مالیات اخذ می شود. طی سال های گذشته، برخی از کشورهای GCC با کسری مالی مواجه شده اند که نتیجه رشد هزینه های دولت می باشد. در نظام بانکی کشورهای GCC سیستم نظارتی بسیار دقیقی حاکم است، و بانک ها از سوددهی مناسبی برخوردارند. طی سال های اخیر، شبکه بانکی کشورهای GCC به لحاظ هماهنگی با نظام پیشرفته بانکی کشورهای توسعه یافته و پیاده کردن استانداردهای نوین بانکی و اتخاذ سیاست های پولی مبتنی بر اقتصاد بازار، پیشرفت های چشمگیری داشته است.

با این حال، تفاوت های عمده ای بین خود این کشورها وجود دارد. به گزارش واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران» تولید سرانه کشورهای عمان و قطر در سال ۲۰۰۶ به ترتیب به ۱۳،۷۲۵ و ۶۳،۶۴۷ دلار رسیده است. همچنین ساختارهای اقتصادی کشورهای GCC ترکیب صادرات آنها نیز با هم متفاوت است. در عربستان سعودی، بخش های تولیدی رشد مناسبی دارند، در حالی که در امارات عربی متحده، فعالیت های تجاری رشد بسیار بالایی یافته اند و در بحرین، بخش بیمه و بانکداری مهمترین بخش محسوب می شود. گاز طبیعی قطر، نقش مهمی را در اقتصاد این کشور ایفا می کند و در عمان استراتژی رشد بر توسعه منابع گاز طبیعی بنا نهاده شده است. این روندها نشان می دهند که رشد بخش غیرنفتی در سراسر

کشورهای حوزه GCC متفاوت می باشد. گفتنی است، کشور عمان در میان اعضای شورای همکاری خلیج فارس با بیش از ۷۵ درصد، دارای بیشترین سهم درآمد نفت از کل درآمدهای دولت است. همچنین کشور کویت نیز به لحاظ دارا بودن سهم ۹۰ درصد صادرات نفتی از کل صادرات در رتبه نخست قرار دارد و کشور امارات کمترین میزان وابستگی اقتصادی را به نفت دارد. به گزارش واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران»، گرچه از لحاظ وابستگی بودجه نسبت به کشورهای منطقه برتری داریم، ولی سهم صادرات نفتی از کل صادرات کشورمان ۷۹/۸ درصد است که رقم قابل توجهی است و بیانگر وابستگی اقتصاد ما به نفت می باشد.

راهبردهای آتی

اخیراً در کشورهای GCC اقدامات یکپارچه سازی منطقه ای شدت بیشتری یافته و این امر به هماهنگی و تداوم اصلاحات ساختاری این کشورها کمک قابل توجهی نموده است.

در این کشورها، موانع موجود بر سر راه آزادسازی نقل و انتقال کالاها، خدمات، نیروی کار و سرمایه تا حد قابل توجهی مرتفع شده اند. به تدریج، مقررات محتاطانه ای در نظام بانکی این کشورها به صورت یکپارچه و هماهنگ وضع شده است و بانک ها هم اکنون مجازند شعبه های خود را در سایر کشورها، افتتاح کنند. براساس برنامه ریزی های انجام شده، اتحادیه پولی در کشورهای GCC تا سال ۲۰۱۰ ابتکاراتی را به منظور تلاش برای یکپارچه سازی منطقه ای انجام خواهند داد که در واقع، این اقدامات از اوایل دهه ۱۹۸۰ آغاز شده است. این اقدامات، تلاش های سودمندی را به منظور انجام اصلاحات ساختاری و

درآمدهای غیرنفتی کشورهای خاورمیانه و آسیای مرکزی

کشور	۱۹۹۸-۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶
کشورهای صادرکننده نفت	۱۱/۸	۱۰/۶	۱۱/۰	۸/۸	۹/۲
الجزایر	۱۱/۴	۱۱/۳	۱۰/۵	۹/۲	۸/۱
آذربایجان	۱۴/۶	۱۷/۱	۱۷/۸	۱۴/۲	۱۰/۷
بحرین	۹/۷	۸/۰	۶/۷	۶/۱	۵/۸
ایران	۱۱/۷	۱۰/۹	۱۱/۶	۸/۱	۹/۶
قزاقستان	۱۸/۰	۱۹/۷	۱۸/۶	۱۷/۴	۱۷/۲
کویت	۲۱/۶	۱۴/۵	۱۳/۳	۱۲/۶	۱۳/۱
لیبی	۱۵/۲	۷/۹	۸/۹	۷/۰	۷/۲
عمان	۹/۴	۱۰/۱	۸/۲	۷/۵	۷/۷
قطر	۱۱/۴	۱۲/۸	۱۹/۱	۱۸/۰	۱۷/۳
عربستان سعودی	۷/۵	۵/۸	۶/۶	۴/۲	۴/۱
سوریه	۱۵/۱	۱۵/۲	۱۵/۲	۱۶/۰	۱۶/۰
امارات عربی متحد	۱۲/۵	۸/۴	۹/۷	۹/۴	۱۰/۲

(درصد از GDP)

سیاست های کلان مربوطه به دنبال خواهد داشت. اقدامات اتحادیه پولی شامل افزایش هماهنگی سیاست ها، کاهش هزینه های نقل و انتقال و افزایش شفافیت قیمت ها خواهد بود که پایداری بیشتری را برای محیط سرمایه گذاری به همراه خواهد داشت.

ولی این کشورها، برای طراحی یک اتحادیه پولی مؤثر و کارا نیازمند اتخاذ سیاست های اساسی زیر خواهند بود:

۱) توسعه نهادهای اقتصادی نظیر بانک مرکزی مشترک به منظور تقویت اتحادیه پولی و تضمین اجرای سیاست های پولی اتخاذ شده، ۲) اتخاذ سیاست نرخ ارز مشترک و تعیین آن، ۳) ایجاد استانداردهای مشترک به منظور ارزیابی میزان تحقق اهداف کلان توسعه و اثربخشی دولت. ■

استخراج: «اقتصاد ایران» از گزارش های بانک جهانی.